خودپسندی: غرور

قوی پیکر: بزرگ و قوی

برخاست: بلند شد

حکایت

قوی‌ترین حیوان جنگل

شیری در جنگل راه می‌رفت و به هر جانوری که می‌رسید، می‌پرسید: « قوی‌ترین حیوان جنگل کیست؟»

جانور با ترس و لرز می‌گفت: «البتّه شما!»

آن‌گاه شیر با غرور و خودپسندی سرش را تکان می‌داد و می‌گذشت.

تا اینکه به فیلی قوی‌پیکر رسید؛ از فیل پرسید: « قوی‌ترین حیوان جنگل کیست؟»

فیل خرطومش را دور کمر شیر انداخت، او را از زمین بلند کرد و در هوا چرخاند و محکم به زمین انداخت.

شیر برخاست، خودش را تکان داد و گفت: «فقط از تو سؤالی کردم. اگر نمی‌دانی، بگو نمی‌دانم، چرا اوقات تلخی می‌کنی.»

فیل گفت: «من هم فقط خواستم جواب سؤالت را داده باشم.»

حکایتی که خواندید، با مفهوم کدام یک از مَثَل‌های زیر ارتباط دارد؟

الف) ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است.

ب) دست بالای دست بسیار است.

پ) سحرخیز باش تا کامروا باشی.

ت) مرغ همسایه غاز است.



پاسخ صفحه به صفحه کتاب فارسی چهارم؛ طراح: سمیرا ابوالقاسمی